

دو شرط اساسی برای توبه

جزء دوم قرآن کریم که از آیه ۱۴۲ سوره بقره آغاز و به آیه ۲۵۲ همین سوره ختم می شود در بردارنده آموزه ها و پیام های روح افزای الهی است که در این نوشته به نقل تعدادی از آن می پردازیم.



سبق در خیرات

در آیه ۱۴۸، به مخاطبان قرآن توصیه می شود تا در انجام کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرند. (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ)

این سبق گرفتن که در خوبی ها و در راه رسیدن به کمالات است در عمل یعنی هر چه انسان از فضایل و کمالات انسانی بیشتر برخوردار باشد نسبت به دیگران جلوتر و به قرب الهی نزدیک تر است.

به عبارت دیگر هر چه متواضع تر، پیش رو تر و هر چه با گذشت تر، به خدا نزدیک تر.

در فرهنگ قرآن کسی که در کسب فضایل و جمع حسنات از دیگران پیشتر باشد از دیگران پیش است؛ نه آنکه مال و مقامش بیشتر باشد.

تزکیه و تعلیم محتوای تعالیم اسلام

در آیه ۱۵۱ به دو رکن اصلی تعالیم رسول خدا صلی الله علیه و آله یا همان دین اسلام اشاره شده است. این دو رکن یکی رشد معنوی و پرورش روحی و دیگری تعلیم و آموزش علمی است (يُزَكِّيْكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمْ). این تعالیم که در سه رشته قرآن (الْكِتَاب) و حکمت (الْحِكْمَة) و هر آنچه بشر قابلیت کشف آن را ندارد (مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ) بیان شده است، شامل تمام معارف اصولی و فروعی دین می گردد [۱].

از آنجا که پایه پرورش معنوی، دانش علمی است، به هر میزان که فرد با این معارف آشنا شده و در عمل به آنها پایبند باشد، از رشد و کمال بیشتری هم برخوردار خواهد شد.

درود و رحمت و هدایت الهی بر صاحبان صبر

پس از آنکه در آیات ۱۵۵ و ۱۵۶ درباره صبر صابران در برابر سختی های آزمون های الهی سخن گفت در آیه ۱۵۷ به آنها بشارت می دهد که خدا به سوی آنها انعطاف پیدا کرده و برمی گردد (عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ) تا رحمتش را شامل حال آنها کند (و رَحْمَةً). [۲]

این الطاف و رحمت ها به صبر پیشگان نیرو می دهد تا در این راه پرخطر و دشوار، گرفتار اشتباه و انحراف نشوند؛ برای همین در پایان آیه آنها را کسانی معرفی می کند که توانسته اند راه هدایت را پیموده و به سر منزل سعادت نایل آیند (و أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ)

در فرهنگ قرآن کسی که در کسب فضایل و جمع حسنات از دیگران پیشتر باشد از دیگران پیش است؛ نه آنکه مال و مقامش بیشتر باشد.

در آیه ۱۶۰ دو شرط اساسی برای یک توبه کامل بیان شده است. : شرط اول اینکه کنهکار از گناه کرده پشیمان شده و از راه رفته واقعاً برگردد (تَابُوا). این برگشت وقتی چهره واقعی به خود می گیرد و فرد را در زمره توبه کنندگان قرار می دهد که با تصمیم بر بازنگشتن همراه شود.

شرط دوم تلاش برای جبران کاستی های صورت گرفته از سوی اوست (وَ أَصْلَحُوا) ؛ برای مثال اگر واجبی مانند نماز و روزه از او فوت شده آنها را قضا کند و اگر حقی از کسی ضایع کرده و یا ظلمی روا داشته درصدد ترمیم آن برآید. به هر حال، حق الله و حق الناسی را که بر عهده دارد ادا نماید.

مرگ در حال کفر

در آیه ۱۶۱ و ۱۶۲ سخن از کسانی است که کافرند (الَّذِينَ كَفَرُوا) و با همین حال از دنیا می روند. (مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ)

قرآن کریم از دو واقعیت درباره اینگونه افراد پرده بر می دارد: یکی لعن خدا و ملائکه و همه مردم نسبت به آنهاست. (عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ)

و دیگری که در راستای همان لعن (دوری از رحمت الهی) است ، ماندن همیشگی در جهنم است (خَالِدِينَ فِيهَا) بی آنکه ذره ای در عذاب آنها تخفیف داده شود (لَا يَخَفُّ عَنْهُمُ الْعَذَابُ)



قیامت روز اعلام انزجار رهبران بدی نسبت به پیروان خود

در آیه ۱۶۶ پرده ای از قیامت به تصویر کشیده می شود .

زمانی که رهبران بدی، آتش عذاب الهی را می بینند از تمام کسانی در دنیا دنباله رو آنها بودند اعلام انزجار می کنند (إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ)

همان ها که در دنیا ندای منادیان حق و دعوت کنندگان راستین به سعادت را نشنیده گرفتند و به دنبال کسانی رفتند که سردمدار کفر و گناه بودند و دل به وعده های آنها خوش کردند ، در قیامت وقتی با عذاب مواجه شده و می بینند که هیچ حامی و یاور و هیچ تکیه گاه و پناهگاهی ندارند از شدت بیچارگی بی اختیار دست به دامن رهبران خود می زنند به این امید که فایده ای داشته باشد و نجاتی حاصل شود که در این هنگام، رهبران گمراه آنها دست رد به سینه شان کوبیده و از آنها تبری می جویند .

نکوهش پیروی کورکورانه از گذشتگان

موضوع آیه ۱۷۰ نکوهش کسانی است که در برابر سخن حق موضع گرفته و آن را نمی پذیرند و تنها دلیلشان تعارض این حرف، عقیده و روش با باور و سیره پدران آنهاست .

مبنای آنها این است: ۱. هر عقیده و روشی که گذشتگان ما داشتند حق است و درست. ۲. هر چه با عقیده و روش آنها مخالفت کند باطل و نادرست است.

قرآن کریم با این سوال معنادار روش آنها را زیر سوال می برد که گیرم پدران شما عاقلانه عمل نکردند و در مسیر هدایت قدم بر نداشتند (أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ) آیا باز هم باید از آنها پیروی کنید؟

این پرسش این معنا را با خود به همراه دارد که پیروی باید بر اساس عقل و منطق باشد. اگر عقیده، سیره و سنتی از پشتوانه عقلی و یا نقلی معتبر برخوردار بود، پیروی از آن هم روا خواهد بود وگرنه صرف میراث فرهنگی بودن عمل و یا عقیده ای، دلیل بر درستی و حقانیت آن نیست و مجوز پابندی به آن نمی شود.

اگر با هر روزه ای که می گیریم احساس نورانیت و تقوا یا همان خداترسی بیشتری کردیم این نشان می دهد که روزه ما از نمره قابل قبولی برخوردار است؛ چرا که به خوبی ثمر داده است و اگر کسی چنین ثمری را در خود ندید باید تلاش کند تا با رعایت بیشتر واجبات و ترک محرمات روزه های او نیز به بار بنشیند

باطن حرام خوری

آیه ۱۷۴ پرده را از روی گناهی به نام حرام خواری کنار زده و باطن آن را به نمایش می گذارد تا همه بدانند که گناه، باطنی سوزان و گزنده دارد هر چند برای برخی ظاهرش فریبنده و طعمش شیرین باشد.

در این آیه به یک نوع از انواع حرام خواری اشاره شده که در آن افراد در مقابل کتمان حق چیزی دریافت می کنند و به اصطلاح حق السکوت می گیرند تا باطل بتواند جولان دهد.

آنچه اینان می گیرند حرام است و مصرف آن به هر شکل می شود حرام خوری.

در این آیه خداوند متعال از حقیقت چنین گناهیانی پرده برداشته و باطن آن که خوردن آتش است (مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ) را در معرض دید بندگان قرار داده است.

تقوا، میوه روزه است

در آیه ۱۸۳ که در حکم مقدمه چینی برای بیان وجوب روزه در دو آیه بعد است [۳] در آغاز، مسأله وجوب روزه بر مسلمانان را خاطرنشان می کند (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ) بعد بلافاصله می فهماند که شما مسلمانان نباید از تشریع روزه وحشت کنید و آن بر شما گران آید، چون این حکم منحصر به شما نبوده و حکمی است که در امت های سابق نیز تشریع شده بود (كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ) آنگاه به تأثیری که این عبادت در جان انسان می گذارد اشاره کرده و آن را، تقوا معرفی می کند؛ همان که در آیه ۱۹۷ آن را بهترین توشه خوانده است. (وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى)

و این بهترین راه برای سنجش ارزش روزه های ماست. اگر با هر روزه ای که می گیریم احساس نورانیت و تقوا یا همان خداترسی بیشتری کردیم، این نشان می دهد که روزه ما از نمره قابل قبولی برخوردار است؛ چرا که به خوبی ثمر داده است و اگر کسی چنین ثمری را در خود ندید، باید تلاش کند تا با رعایت بیشتر واجبات و ترک محرمات روزه های او نیز به بار بنشیند.

پی نوشت ها:

۱. المیزان فی تفسیر القرآن ۳۳۰/۱.

۲. یک به المیزان فی تفسیر القرآن ۳۶۱/۱.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن